

Intellectual Capital and Corporate Governance Quality: Examining the Moderating Role of Corporate Social Responsibility¹

Samira Joudi²

Received: 2025/12/10

Accepted: 2026/05/02

Research Paper

Abstract

Objective: This study examines the impact of Intellectual Capital (IC) on the Quality of Corporate Governance (CG) and investigates the moderating role of Corporate Social Responsibility (CSR) within the sensitive industries of the Iranian capital market. The study hypothesizes that the inherent lack of transparency in intangible assets (Intellectual Capital) may exacerbate information asymmetry and agency problems, which can undermine the positive relationship between IC and CG. Thus, the identification and application of complementary control mechanisms, such as CSR, which serves as a signaling mechanism, can strengthen the effectiveness of IC in enhancing monitoring and control structures. The study focuses on companies within the oil and gas, metals, mining, and coal extraction sectors, listed on the Tehran Stock Exchange, all of which have significant environmental and social footprints.

Methods: This applied research follows a quantitative, correlational, and ex-post facto design. The sample includes 145 firms listed on the Tehran Stock Exchange, from which 103 companies in the oil and gas, basic metals, mining, and coal extraction industries were selected for the period 2018–2024, based on the relevant screening criteria. Panel data regression models were employed to analyze the relationships among the variables. Intellectual Capital, as the independent variable, was measured using the value-added approach, encompassing three components: capital employed efficiency, human capital efficiency, and structural capital efficiency. Corporate Governance Quality, the dependent variable, was assessed through a composite index consisting of six dimensions related to board structure and ownership, including female representation, board independence, CEO non-duality, institutional ownership, financial expertise, and the educational level of board members. CSR was incorporated as the moderating variable and operationalized using KLD indicators, which assess firms' social and environmental performance.

Results: The panel data regression analysis yielded two key findings. First, Intellectual

¹ 10.30466/JFCS.2026.56867.1043

² Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author). (s.joudi@tabrizu.ac.ir).

Capital has a positive and significant effect on Corporate Governance Quality. Specifically, increased productivity of human and structural capital is associated with improved monitoring mechanisms and greater efficiency. Second, the interaction effect analysis revealed that CSR plays a significant and positive moderating role in this relationship. A commitment to CSR enhances the positive impact of IC on improving Corporate Governance quality.

Conclusion: Drawing on Agency Theory and Signaling Theory, this research demonstrates that Intellectual Capital enhances corporate governance by providing essential expertise and infrastructure. In contrast, CSR acts as a complementary control mechanism, increasing transparency and reducing information asymmetry—particularly in high-risk industries. By reinforcing the positive influence of IC, CSR evolves from a mere ethical expenditure to a strategic investment, amplifying the efficiency of Intellectual Capital in promoting accountability and legitimacy in Corporate Governance processes.

Innovation: This research advances the finance and managerial accounting literature by offering robust empirical evidence on the moderating effect of corporate social responsibility (CSR) in the nexus between intellectual capital (IC) and corporate governance quality (CGQ), with a particular focus on resource-intensive and environmentally polluting sectors within the Iranian capital market. Moreover, the adoption of a composite index for assessing CGQ, coupled with the adaptation of internationally recognized metrics such as the KLD index to the Iranian institutional context, substantially enhances the validity and generalizability of the findings. These methodological choices also enable the derivation of sustainability-oriented policy implications for regulators and corporate decision-makers.

Keywords: Intellectual Capital, Corporate Governance Quality, Corporate Social Responsibility

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی: بررسی نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی شرکت^۱

سمیرا جودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی و تحلیل نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در صنایع حساس بازار سرمایه ایران پرداخته است. در این تحقیق فرض شده است که فقدان شفافیت ذاتی در دارایی‌های نامشهود (سرمایه فکری) می‌تواند منجر به تشدید عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی شده و رابطه بالقوه مثبت بین سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی را تضعیف کند. از این‌رو، شناسایی و به‌کارگیری مکانیسم‌های کنترلی مکمل، همچون مسئولیت اجتماعی، به‌عنوان عامل علامت‌دهنده، می‌تواند اثر بخشی سرمایه فکری را در ارتقاء سازوکارهای نظارتی و کنترلی افزایش دهد. جامعه مورد مطالعه شامل شرکت‌های فعال در صنایع نفت و گاز، فلزات، معادن و استخراج زغال‌سنگ است که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و دارای آثار زیست‌محیطی و اجتماعی قابل توجهی هستند.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از منظر روش‌شناسی، از نوع کمی و همبستگی با رویکرد پس‌رویدادی است. جامعه آماری شامل ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با اعمال محدودیت‌های موردنظر، ۱۰۳ شرکت از صنایع نفت و گاز، فلزات اساسی، معادن و استخراج زغال‌سنگ طی دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ انتخاب شد. برای تحلیل روابط میان متغیرها، از مدل رگرسیون داده‌های تابلویی استفاده گردید. در این تحقیق، سرمایه فکری به‌عنوان متغیر مستقل بر مبنای رویکرد ارزش افزوده و از طریق سه مؤلفه کارایی سرمایه به‌کاررفته، کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه ساختاری سنجیده شد. کیفیت حاکمیت شرکتی به‌عنوان متغیر وابسته با توسعه یک شاخص ترکیبی مبتنی بر شش سازه ساختاری هیئت‌مدیره و مالکیتی - شامل حضور زنان، استقلال اعضا، عدم دوگانگی وظیفه مدیرعامل، مالکیت سازمانی، دانش مالی و سطح تحصیلات اعضای هیئت‌مدیره - اندازه‌گیری گردید. افزون بر این، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، بر اساس شاخص‌های مؤسسه KLD که عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها را ارزیابی می‌کند، عملیاتی شد.

^۱ 10.30466/JFCS.2026.56867.1043

^۲ استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).
(s.joudi@tabrizu.ac.ir)

یافته‌ها: نتایج تحلیل مدل رگرسیونی داده‌های تابلویی دو یافته کلیدی را تأیید کرد. نخست، سرمایه فکری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حاکمیت شرکتی دارد که به‌ویژه افزایش بهره‌وری سرمایه‌های انسانی و ساختاری با بهبود سازوکارهای نظارتی و کارایی آن‌ها مرتبط است. دوم، تحلیل اثرات تعدیل‌گری نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نقش تعدیل‌گری مثبت و معناداری در این رابطه دارد؛ به‌طوری‌که تعهد به مسئولیت اجتماعی شرکت، اثرات مثبت سرمایه فکری را در ارتقاء کیفیت حاکمیت شرکتی تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش با استناد به تئوری نمایندگی و علامت‌دهی نشان می‌دهد که سرمایه فکری با ارائه تخصص و زیرساخت‌های لازم، موجب ارتقاء حاکمیت شرکتی می‌شود. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یک مکانیسم کنترلی مکمل عمل کرده و با افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، به‌ویژه در صنایع با ریسک زیست‌محیطی بالا، موجب تسهیل و تقویت تأثیرات مثبت سرمایه فکری می‌شود. بنابراین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از یک هزینه اخلاقی صرف به یک سرمایه‌گذاری استراتژیک تبدیل می‌شود که کارایی سرمایه فکری را در جهت ارتقاء پاسخگویی و مشروعیت در فرآیندهای حاکمیت شرکتی به حداکثر می‌رساند.

نوآوری: این تحقیق با ارائه شواهد تجربی از نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ارتباط بین سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی، به‌ویژه در صنایع منابع‌محور و آلاینده بازار سرمایه ایران، به ادبیات مالی و حسابداری مدیریت افزوده است. همچنین، استفاده از یک شاخص ترکیبی جامع برای کیفیت حاکمیت شرکتی و به‌کارگیری معیارهای بین‌المللی مانند شاخص KLD در محیط ایران، موجب افزایش اعتبار نتایج تحقیق و فراهم‌آوری توصیه‌های سیاستی مبتنی بر اصول پایداری برای نهادهای نظارتی و تصمیم‌گیرندگان می‌شود.

کلید واژه‌ها: سرمایه فکری، کیفیت حاکمیت شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکت.

مقدمه

در اقتصاد دانش بنیان امروز، دارایی‌های نامشهود به‌ویژه سرمایه فکری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد مزیت رقابتی و ارتقای عملکرد شرکت‌ها شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، دارایی‌های نامشهود به دلیل نقش برجسته خود در کسب مزیت رقابتی اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند (کاستیلاپول و گالاردادا^۱، ۲۰۰۸). یکی از اجزای دارایی نامشهود سرمایه فکری است که تاثیر مهمی بر عملکرد شرکت و پیاده‌سازی استراتژیک شرکت‌ها دارد (اسماعیل‌زاده مقری، ۱۳۸۹). زان، نیلسون و تاوور (۲۰۰۴) نیز بیان می‌کنند که عملکرد شرکت تابعی از نحوه استفاده از دارایی‌های مشهود و نامشهود سازمان می‌باشد. در همین راستا، اخیراً پژوهش‌های انجام شده، چگونگی تاثیر استراتژی‌های مدیریت سرمایه فکری شرکت بر بهبود عملکرد شرکت‌ها و افزایش مزیت رقابتی آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که سرمایه فکری یکی از عوامل موثر بر افزایش مزیت رقابتی می‌باشد (وو، ون، هوانگ، تران^۲، ۲۰۲۲؛ نیرینو، فراری و میگلیتا^۳، ۲۰۲۲؛ سویبی^۴، ۲۰۰۰). علاوه بر این، سرمایه فکری با تقویت تخصص نیروی انسانی، بهبود ساختارهای اطلاعاتی و ارتقای روابط با ذی‌نفعان، نقش مهمی در ارتقای حاکمیت شرکتی ایفا می‌کند. این سرمایه موجب شفافیت بیشتر، تصمیم‌گیری کارآمدتر و افزایش اعتماد به ساختارهای حاکمیتی می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شرکت‌های دارای سرمایه فکری بالاتر، از سازوکارهای حاکمیتی مؤثرتری برخوردارند (ون و همکاران، ۲۰۲۲).

با وجود اجماع نظری بر اهمیت سرمایه فکری در ارتقای عملکرد سازمان‌ها، شواهد تجربی در خصوص تأثیر سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی، نتایج یکسانی را ارائه نمی‌دهند. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سرمایه فکری، به‌ویژه از طریق افزایش شفافیت اطلاعاتی، بهبود فرآیند تصمیم‌گیری و تقویت تعامل با ذی‌نفعان، می‌تواند به بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی منجر شود (گارائینا و دوما، ۲۰۱۷؛ الفریج، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، برخی مطالعات دیگر نشان می‌دهند که رابطه فوق همیشه مثبت و معنادار نیست و تحت تأثیر عواملی همچون ساختار مالکیت، سطح بلوغ سازمانی و کیفیت افشا، سطح شفافیت شرکت‌ها ممکن است بی‌اثر یا حتی منفی باشد (آدگبیبی^۵، ۲۰۲۱). به عنوان مثال، گارسیا و همکاران^۶ (۲۰۱۷) در یک مطالعه تطبیقی بین شرکت‌های روسی و اروپایی نشان دادند که شدت و معناداری ارتباط میان سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی بسته به زمینه نهادی، تفاوت‌هایی دارد. همچنین،

¹ Castillapol and Gallarda

² Zahn, Neilson and Tower

³ Vo, Van, Hoang, Tran

⁴ Nirino, Ferraris, Miglietta and Invernizzi

⁵ Sveiby

⁶ Adegbaybi

⁷ Guaranina and Dumas

پژوهش آدگبایی (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که سرمایه فکری تنها در شرایطی که سطح شفافیت افشا بالا باشد، قادر به تقویت سازوکارهای حاکمیتی است. این نتایج متناقض حاکی از آن است که تأثیر سرمایه فکری بر حاکمیت شرکتی نه تنها قطعی و یکنواخت نیست، بلکه وابسته به شرایط زمینه‌ای است. در این راستا، نقش سازوکارهای تعدیل‌گر، مانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا این متغیرها می‌توانند توانایی سازمان‌ها را در بهره‌برداری مؤثر از سرمایه فکری برای ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی تقویت کنند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

مسئولیت اجتماعی می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در هدایت رفتارهای سازمانی عمل کرده و این امر می‌تواند تأثیر سرمایه فکری بر حاکمیت شرکتی را تقویت یا تعدیل کند. به‌ویژه، زمانی که سازمان‌ها به‌طور فعال در جهت منافع اجتماعی و زیست‌محیطی عمل می‌کنند، توانایی آن‌ها در بهره‌برداری مؤثر از سرمایه فکری و بهبود فرآیندهای حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت، به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات داوطلبانه در پاسخ به انتظارات اجتماعی، محیطی و اخلاقی ذی‌نفعان، یکی از عوامل کلیدی در ایجاد و توسعه سرمایه فکری شرکت محسوب می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۷). مطالعات تجربی و نظری نشان داده‌اند که اجرای مؤثر سیاست‌های مسئولیت اجتماعی می‌تواند سرمایه انسانی سازمان را با افزایش انگیزه، تعهد و رضایت کارکنان تقویت کند (آدگبایی، ۲۰۲۱). علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی موجب ارتقای سرمایه رابطه‌ای می‌شود؛ زیرا روابط شرکت با مشتریان، تأمین‌کنندگان، جامعه و سایر ذی‌نفعان را بهبود می‌بخشد. شرکت‌هایی که به مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایبندند، اعتماد اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند که در نتیجه شبکه‌های پایدارتر و تبادل مؤثرتر دانش را به همراه دارد (نیرینو و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر سرمایه ساختاری داشته باشد؛ زیرا تعهد به اصول اخلاقی، نوآوری‌های زیست‌محیطی و شفافیت اطلاعاتی، ساختارها و فرآیندهای داخلی سازمان را بهبود می‌بخشد. در واقع، مسئولیت اجتماعی شرکت با ایجاد فرهنگی یادگیرنده و پاسخ‌گو، ظرفیت سازمان برای ذخیره و انتقال دانش را افزایش می‌دهد (بونتیس^۱، ۱۹۹۸). بنابراین، سرمایه فکری در شرکت‌هایی که بر ثبات و پایداری خود با تمرکز بر انتقال دانش، رعایت مقررات محیطی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، اجرای بهترین شیوه‌های عملیاتی و نوآوری‌های هدفمند تأکید دارند، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. این شرکت‌ها قادرند تا علاوه بر رعایت استانداردهای بین‌المللی محیط زیستی، رضایت‌مندی مصرف‌کنندگان حساس به مسائل محیطی را نیز جلب کنند که این امر منجر به ایجاد ارزش افزوده برای سازمان می‌شود (آسیایی و همکاران، ۲۰۲۲).

¹ Bontis

بنابراین، مسئولیت اجتماعی شرکت می تواند به عنوان عاملی کلیدی در تعدیل رابطه بین سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی عمل کند (وو و همکاران، ۲۰۲۲). به بیان دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت نقش متغیر تعدیل گر را ایفا می کند و باعث تقویت هم افزایی میان سرمایه فکری و سازوکارهای حاکمیتی می شود. هنگامی که شرکت ها در فعالیتهای مسئولیت اجتماعی مشارکت فعال دارند، سطح اعتماد و مشروعیت آنها در میان ذی نفعان افزایش می یابد؛ امری که زمینه را برای بهره برداری مؤثرتر از سرمایه فکری در بهبود فرآیندهای حاکمیتی فراهم می سازد. به عبارتی، مسئولیت اجتماعی بستر فرهنگی و اخلاقی لازم برای تبدیل سرمایه فکری به تصمیم گیری های شفاف تر، پاسخ گویی بیشتر و نظارت مؤثرتر را ایجاد می کند. یافته های پژوهشی نیز نشان می دهد که شرکت هایی که هم زمان از سرمایه فکری بالا و تعهد قوی به مسئولیت اجتماعی برخوردارند، ساختارهای حاکمیت شرکتی کارآمدتر و اثربخش تری دارند (مار، ۲۰۰۵).

با بررسی های انجام شده تاکنون در ایران پژوهشی در راستای تاثیر سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی با تعدیلگری مسئولیت اجتماعی شرکت انجام نشده است. در پژوهش حاضر؛ موضوع فوق در صنایع نفت و گاز، فلزات، معادن و استخراج ذغال سنگ بررسی می شود، دلیل انتخاب صنایع فوق این است که شرکت های فعال در صنایع نفت و گاز، فلزات، معادن و استخراج ذغال سنگ، با تولید زباله، فاضلاب و پساب های گازی که حاوی گرد و غبار، گوگرد، اکسید، نیتروژن و منوکسید کربن درگیر هستند. همچنین ایجاد گازهای گلخانه ای و آلودگی صوتی می تواند بر سلامت انسان ها، خاک و تنوع زیستی آب های زیرزمینی، آثار سوء جبران ناپذیری داشته باشد (شاه حسینی، جواهری و حسنفلی پور، ۱۳۹۸؛ فائول، کای و مک کنزی^۱، ۲۰۱۶). لذا، شرکت های فعال در این صنایع، به منظور مدیریت و کاهش اثرهای زیست محیطی، دارای فرآیندهای سیستماتیک هستند تا بتواند آثار سوء نگاه گذشته که صرفاً به ایجاد سود متمرکز بوده را کاهش دهند. معمولاً الزامات قانونی نیز برای شرکت های فعال در این بخش اقتصادی چه در داخل ایران و در سطح بین المللی وجود دارد (جودی، منصورفر و همایون، ۱۴۰۲). برای مثال؛ قوانین و استانداردهای بااهمیت محیط زیست مطرح در صنعت پتروشیمی به این شرح هستند: قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴)؛ قانون هوای پاک؛ اصلاحیه حدود مجاز انتشار آلاینده های هوا (تبصره ماده ۳ قانون هوای پاک)، استاندارد کیفیت هوا؛ استاندارد هوای آزاد (مصوب ۱۳۷۳)؛ قانون مدیریت پسماند (مصوب ۱۳۸۳)؛ استاندارد هیدروکربن ها (مصوب ۱۳۷۹). بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده، این سوال مطرح می شود که آیا مسئولیت اجتماعی می تواند باعث بهبود رابطه بین سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی شود یا خیر؟

¹ Fawole, Cai and MacKenzie

مبانی نظری پژوهش

تعایف سرمایه فکری، حکمرانی شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت

سرمایه فکری به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ایجاد مزایای رقابتی پایدار برای سازمان‌ها شناخته می‌شود (وو و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، هنوز هیچ تعریف جامع و قطعی از سرمایه فکری وجود ندارد (مار، ۲۰۱۸). به عقیده مار و موستاگفیر (۲۰۰۵)، سرمایه فکری در زمینه‌های مختلف و بر اساس نظریه‌های متنوعی تعریف شده است. از دیدگاه مار (۲۰۱۸)، سرمایه فکری به عنوان منابع نامشهودی شناخته می‌شود که برای افزودن ارزش به دارایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این منابع شامل دانش، تجربه، مالکیت معنوی و اطلاعاتی هستند که می‌توانند در فرآیند خلق ارزش به کار روند (بنتیس و فیتز-انز، ۲۰۰۲). دین و کرتشمیر^۲ (۲۰۰۷) نیز تأکید می‌کنند که سرمایه فکری یک منبع نامشهود است که می‌تواند به تقویت توانمندی‌های رقابتی سازمان کمک کند. برای طبقه‌بندی سرمایه فکری مدل‌های مختلفی ارائه شده است که شامل مدل سنت-اونز (وستبرگ و سالیوان،^۳ ۱۹۹۸)؛ مدل سویبی (سویی،^۴ ۱۹۹۷)؛ و طرح ارزش سرمایه فکری اسکندیا (ادوینسون و مالون،^۵ ۱۹۹۷) است. بر اساس طرح ارزش سرمایه فکری اسکندیا، سرمایه فکری به سه بخش تقسیم می‌شود: سرمایه انسانی، سرمایه سازمانی و سرمایه مشتری (بنتیس،^۶ ۱۹۹۸). سرمایه انسانی به ارزش انباشته شده ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها در آموزش و توانمندی‌های کارکنان مرتبط است (مار، ۲۰۱۸). سرمایه سازمانی به عنوان زیرساخت‌های حمایتی تعریف می‌شود که امکان بهره‌برداری از سرمایه انسانی را فراهم می‌آورد (مار و موستاگفیر، ۲۰۰۵). سرمایه مشتری به ارزش تجمعی روابط با مشتریان، تأمین کنندگان و بازارها اشاره دارد (ادوینسون و مالون، ۱۹۹۷).

مطالعات مختلف (شویتا،^۷ ۲۰۲۳؛ لاری داشبایاز و همکاران،^۸ ۲۰۲۰؛ هاریس و همکاران،^۹ ۲۰۱۹؛ ریاهی-بلکاؤوی،^۱ ۲۰۰۳؛ ابوالوش و همکاران،^۱ ۲۰۱۸؛ انگل و همکاران،^۱ ۲۰۱۸؛ آلیو و همکاران،^۱ ۲۰۱۸).

^۱ Bentis and Fitz-Annes

^۲ Dean and Kertschmer

^۳ Westberg and Sullivan

^۴ Swibi

^۵ Edvinson and Malone

^۶ Bentis

^۷ Shobita

^۸ Lari Dashbayaz and colleagues

^۹ Harris et al

^۱ Blackawee 0

^۱ Abulawosh and colleagues 1

^۱ Engel et al. 2

^۱ Aloyo et al 3

۲۰۲۱؛ نواز و هانیفا^۱؛ ۲۰۱۷؛ لین^۲؛ ۲۰۱۸) نشان می‌دهند که ارتباطی قوی بین حکمرانی شرکتی و سرمایه فکری وجود دارد. این مطالعات بر نقش حیاتی مکانیزم‌های حکمرانی مؤثر در توسعه و بهره‌برداری از سرمایه فکری تأکید دارند. پژوهش‌ها و یافته‌های این مطالعات از مجموعه‌ای گسترده از تحقیقات مختلف نشأت گرفته و هم‌راستایی میان محققان در رابطه با این که حکمرانی شرکتی تأثیر چشمگیری بر سرمایه فکری دارد، را نشان می‌دهند. مکانیزم‌های حکمرانی مؤثر برای توسعه و استفاده بهینه از سرمایه فکری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. تمرکز این مطالعه به‌ویژه بر شرکت‌های تولیدی است، زیرا در این نوع شرکت‌ها، استفاده بهینه از سرمایه فکری برای تقویت نوآوری و کارایی عملیاتی حیاتی است. این تحقیق با بهره‌گیری از داده‌های متعدد و منابع گوناگون، اجماع میان پژوهشگران را تقویت کرده و بیان می‌کند که شیوه‌های حکمرانی مناسب می‌توانند سرمایه فکری سازمان را تقویت کرده و به عملکرد مالی بهتر و مزیت رقابتی بلندمدت منجر شوند. بر اساس این پژوهش، حکمرانی و سرمایه فکری به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند؛ بنابراین، حکمرانی ارتقاء یافته می‌تواند به مدیریت بهتر داده‌های فکری، به‌ویژه در بخش تولید، کمک کند. این موضوع به‌ویژه برای شرکت‌های تولیدی که نوآوری و کارایی در آن‌ها می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست داشته باشد، کاملاً حائز اهمیت است.

حکمرانی شرکتی با ارتباط نزدیک خود با سرمایه فکری، به‌طور کلی به نحوه هدایت و کنترل شرکت‌ها اشاره دارد (کمال^۳؛ ۲۰۲۱). حکمرانی شرکتی مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌ها است که نحوه کنترل و مدیریت شرکت‌ها را هدایت می‌کند. از طریق این قوانین، حکمرانی شرکتی به تعادل و کنترل قدرت میان تمامی ذینفعان از جمله هیئت‌مدیره، سهامداران، کارکنان، مشتریان و تأمین‌کنندگان کمک می‌کند. در تحقیقات پیشین، متغیرهای مختلفی به‌عنوان نماینده‌های حکمرانی شرکتی مطرح شده‌اند، از جمله اندازه هیئت‌مدیره (هاریس و همکاران، ۲۰۱۹)، ترکیب هیئت‌مدیره (یونگ^۴، ۲۰۱۸) و پاداش هیئت‌مدیره (چانگ و همکاران، ۲۰۱۵). یک سیستم حکمرانی شرکتی مناسب، شرکت‌ها را به سمت برآوردن انتظارات ذینفعان هدایت می‌کند (هاریس و همکاران، ۲۰۱۹).

یک سیستم حکمرانی شرکتی کارآمد نمی‌تواند از مسئولیت اجتماعی شرکتی جدا باشد. مسئولیت اجتماعی شرکتی مفاهیم متنوعی را در بر می‌گیرد که بسته به نوع شرکت و صنعت، ممکن است متفاوت باشند (کمال، ۲۰۲۱). داهلسرود^۴ (۲۰۰۸) اشاره می‌کند که مسئولیت اجتماعی شرکتی دارای ۳۷ تعریف مختلف است که این تعاریف به پنج بعد متمایز تقسیم می‌شوند: ذینفعان، اجتماعی، اقتصادی، داوطلبانه و زیست‌محیطی. شرکت‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌های مسئولیت اجتماعی، اقدامات خیریه و فعالیت‌های

¹ Nawaz and Hanifa

² Lin

³ Kamal

⁴ Dahlsrud

داوطلبانه، نه تنها به جامعه سود برسانند بلکه برند خود را نیز تقویت کنند (کمال، ۲۰۲۱؛ شی‌هی، ۲۰۱۵). مسئولیت اجتماعی شرکتی به هر چیزی از سیستم‌های مدیریت داخلی، کدهای اخلاقی و در نهایت برنامه‌های خیریه یا حتی مقررات قانونی اشاره دارد (شی‌هی، ۲۰۱۲). وو و همکاران (۲۰۲۱) تأکید می‌کنند که روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت به کار گرفته شده است. این روش‌ها شامل تحلیل محتوا (چن و همکاران، ۲۰۱۵)، شاخص اجتماعی KLD ۴۰.۲ (لی و پارک، ۲۰۰۹)، نظرسنجی‌های مبتنی بر پرسشنامه (گالاردو-وازکز و سانچز-هرناندز، ۲۰۱۴)، و کمک‌های مالی یا امور خیریه شرکتی (اویومی و همکاران، ۲۰۱۸؛ لو و همکاران، ۲۰۱۰) هستند.

نقش تعدیلگری مسئولیت اجتماعی شرکت بین سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت

در عصر معاصر، سازمان‌ها، به‌ویژه در صنایع مبتنی بر دانش و نوآوری، به‌طور فزاینده‌ای به سرمایه فکری به‌عنوان یک منبع کلیدی برای کسب مزیت رقابتی پایدار و بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی توجه دارند. در این زمینه، مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در فرآیندهای مدیریتی و استراتژیک، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری، توسعه و تقویت سرمایه فکری ایفا می‌کند. تحقیقات علمی نشان می‌دهند که مسئولیت اجتماعی شرکتی نه تنها تأثیر مستقیمی بر اجزای مختلف سرمایه فکری دارد، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک عامل تعدیل‌گر در ارتباط میان سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی عمل کند (نیرینو و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از ارکان اصلی سرمایه فکری، «سرمایه انسانی» است که به دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های کارکنان سازمان‌ها اشاره دارد. با توجه به اینکه مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر مستقیمی بر ابعاد انسانی سازمان‌ها دارد، به کارگیری استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند به جذب و نگهداری نیروی انسانی با کیفیت و متخصص کمک کند. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که سازمان‌هایی که به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی توجه دارند، قادر به جذب استعدادها و برجسته‌ای هستند. این امر، به نوبه خود، منجر به ارتقای توانمندی‌های انسانی، بهینه‌سازی منابع و کاهش هزینه‌های مرتبط با جذب و حفظ نیروی انسانی می‌شود (آلینگر و فریمن، ۲۰۰۰). علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یک سیاست استراتژیک موجب تقویت فرهنگ سازمانی و افزایش رضایت کارکنان می‌شود. این مسائل در نهایت به ارتقای بهره‌وری، افزایش سطح نوآوری و تقویت سرمایه انسانی می‌انجامد (وازکز کاراسکو و لویز-پرز، ۲۰۱۳).

مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیرات قابل‌توجهی بر سرمایه ساختاری دارد. سرمایه ساختاری شامل سیستم‌ها، فرآیندها، فرهنگ و ساختارهای سازمانی است که به‌طور اساسی در مدیریت دانش و منابع

¹ Sheehy

² Kinder, Lydenberg, and Domini

³ Gallardo-Vazquez and Sanchez-Hernandez

⁴ Vazquez-Carrasco and Lopez-Perez

انسانی سازمان‌ها نقش دارند. برای پیاده‌سازی مؤثر استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی، شرکت‌ها نیازمند فرآیندهای مدیریتی به‌روز، ساختارهای سازمانی انعطاف‌پذیر و فرهنگی قوی هستند که قادر به پذیرش تغییرات و نوآوری‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی باشند (آراس و همکاران، ۲۰۱۱). این تغییرات، ضمن بهبود فرآیندهای داخلی سازمان، تسهیل‌گر نوآوری و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی خواهند بود و در نهایت به تقویت سرمایه ساختاری و ارتقای سرمایه فکری منتهی می‌شوند.

از سوی دیگر، «سرمایه روابطی (RC)» که یکی از ارکان اساسی سرمایه فکری به‌شمار می‌آید، به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی قرار می‌گیرد. روابط مؤثر با ذینفعان، مشتریان و تأمین‌کنندگان، از طریق فرآیندهای مسئولیت اجتماعی شرکتی تقویت می‌شود. به‌ویژه، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب تقویت وفاداری مشتریان و ایجاد روابط پایدار با ذینفعان خارجی می‌گردد که به‌طور مستقیم بر افزایش سرمایه روابطی و تقویت سرمایه فکری سازمان تأثیرگذار است (چانگ و چن، ۲۰۱۲). این روابط به‌ویژه از طریق کاهش ریسک‌های اعتباری، بهبود دسترسی به منابع مالی و افزایش فروش، ارتقا می‌یابند. علاوه بر این، این تعاملات می‌توانند به تقویت شهرت و بهبود تصویر عمومی سازمان در نزد مشتریان و سایر ذینفعان منجر شوند، که خود منجر به تقویت مزیت رقابتی شرکت خواهد شد.

مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی، فرآیندهای نظارتی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های سازمانی را تسهیل می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که سازمان‌هایی که به مسئولیت اجتماعی شرکتی متعهد هستند، معمولاً عملکرد بهتری در زمینه شفافیت، پاسخگویی و اتخاذ سیاست‌های مدیریتی اخلاقی دارند (کارول، ۱۹۹۹). این امر به‌طور مستقیم موجب بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی و ارتقای اعتماد ذینفعان به سازمان می‌شود. همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در فرآیند تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، سازمان‌ها را ترغیب می‌کند تا به مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی توجه بیشتری داشته باشند. این توجه موجب بهبود عملکرد سازمانی و ارتقای جایگاه سازمان در بازار می‌شود (پورتر و کریمر، ۲۰۰۶).

پژوهش‌های تجربی متعددی تأثیرات مسئولیت اجتماعی شرکتی را بر سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند از طریق تقویت روابط با ذینفعان و افزایش دارایی‌های نامشهود به بهبود سرمایه فکری کمک کند

¹ Aras et al

² Chang and Chen

³ Carol

⁴ Porter and Creamer

(بتیس، ۱۹۹۸). از سوی دیگر، تحقیقات دیگر بر این نکته تأکید دارند که مسئولیت اجتماعی شرکتی، به‌ویژه از طریق تقویت سرمایه انسانی و نوآوری‌های مرتبط با آن، به تقویت مزیت رقابتی شرکت‌ها کمک می‌کند (آگیلرا و همکاران، ۲۰۰۶). این یافته‌ها نشان می‌دهند که مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل تعدیل‌گر در ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی و بهبود سرمایه فکری عمل کند.

در نهایت، مسئولیت اجتماعی شرکتی نه تنها به‌عنوان یک استراتژی برای بهبود روابط سازمان با ذینفعان شناخته می‌شود، بلکه نقشی کلیدی در تقویت سرمایه فکری و ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی ایفا می‌کند. شواهد تجربی نشان می‌دهند که مسئولیت اجتماعی شرکتی از طریق تقویت ابعاد مختلف سرمایه فکری، مانند سرمایه انسانی، ساختاری و روابطی، موجب بهبود عملکرد سازمان‌ها و کسب مزیت رقابتی پایدار می‌شود. بنابراین، توجه به مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک سیاست استراتژیک، می‌تواند به‌طور معناداری به ارتقای حاکمیت شرکتی، تقویت سرمایه فکری و بهبود عملکرد بلندمدت سازمان‌ها منتهی گردد.

در تبیین نقشه علی رابطه میان متغیرهای پژوهش، می‌توان استدلال کرد که سرمایه فکری به دلیل ماهیت «نامشهود» خود، به‌طور ذاتی ظرفیت ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران (نمایندگان) و مالکان را دارا است. بر اساس تئوری نمایندگی، این عدم شفافیت اطلاعاتی می‌تواند به رفتارهای فرصت‌طلبانه و استثمار منابع منجر شود. با این حال، زمانی که سازمان از سرمایه فکری غنی (از جمله سرمایه انسانی، ساختاری و رابطه‌ای) برخوردار است، در واقع زیرساخت‌های لازم برای نظارت کارآمدتر و حاکمیت شرکتی با کیفیت بالاتر فراهم می‌شود. به‌عنوان مثال، سرمایه ساختاری با تقویت سیستم‌های اطلاعاتی و بهبود فرآیندهای داخلی، می‌تواند هزینه‌های نظارتی را کاهش داده و کیفیت کلی حاکمیت شرکتی را ارتقا بخشد. با این وجود، یکی از چالش‌های اساسی در این نقشه علی، چگونگی غلبه بر اثرات منفی ناشی از ماهیت نامشهود دارایی‌ها است. در این راستا، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یک ابزار اساسی بر مبنای تئوری علامت‌دهی وارد عمل می‌شود. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یک «سیگنال اطمینان‌بخش» برای بازار و ذینفعان، می‌تواند نشان‌دهنده تعهد اخلاقی و شفافیت مدیریت باشد. منطق علی نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به شرح زیر قابل تبیین است: اولاً، سرمایه فکری پتانسیل ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی را دارد، اما به دلیل «ابهام در گزارش‌دهی دارایی‌های نامشهود»، ممکن است اثر این سرمایه بر حاکمیت تضعیف شود. ثانیاً، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی می‌توانند این ابهام را از طریق افشای داوطلبانه اطلاعات و ارتقای پاسخگویی اجتماعی کاهش دهند. ثالثاً، در نهایت، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یک کاتالیزور یا تسهیل‌کننده، مسیر اثرگذاری

سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی را هموار کرده و با افزایش مشروعیت سازمانی، موجب هماهنگی و تقویت نظارت‌های داخلی و خارجی می‌شود. بدین ترتیب، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تنها یک متغیر جانبی نیست، بلکه به عنوان یک مکانیسم تأثیرگذار، «اطمینان‌پذیری» لازم برای اثربخشی سرمایه فکری در ساختار حاکمیتی را فراهم می‌آورد (نیرینو و همکاران، ۲۰۲۲). این تعامل علی‌بیانگر آن است که در شرکت‌هایی با سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا، دارایی‌های فکری با سرعت بالاتری منجر به بهبود حاکمیت شرکتی می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، ادبیات بین‌المللی مدیریت و حسابداری به‌طور فزاینده‌ای بر بررسی تعامل میان دارایی‌های نامشهود، سازوکارهای حاکمیت شرکتی و راهبردهای پایداری متمرکز شده است. در این چارچوب، کوسوماواتی و سولیستیان (۲۰۲۵) نشان می‌دهند که حاکمیت شرکتی مبتنی بر رویکردهای حسابداری، در کنار کارایی سرمایه فکری، از مهم‌ترین محرک‌های ارتقای سطح افشای مسئولیت اجتماعی به‌شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که بنگاه‌ها از این ابزارها برای کسب و حفظ مشروعیت در محیط‌های اقتصادی پیچیده بهره می‌گیرند. همسو با این دیدگاه، عساف و همکاران (۲۰۲۵) با تأکید بر وجود رابطه‌ای دوسویه و تقویت‌کننده میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مؤلفه‌های سرمایه فکری، نشان می‌دهند که سازوکارهای حاکمیتی، به‌ویژه مالکیت نهادی، می‌توانند به عنوان متغیری تعدیل‌گر، این رابطه را در بستر بازارهای نوظهور تحت تأثیر قرار دهند. افزون بر این، واهیونی و همکاران (۲۰۲۵) بیان می‌کنند که سرمایه فکری تأثیر مثبتی بر ارزش بنگاه دارد، در حالی که مسئولیت اجتماعی شرکت، علاوه بر ارتقای ارزش، به تقویت شهرت سازمانی نیز می‌انجامد؛ یافته‌ای که بر نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی در رابطه میان سرمایه فکری و ارزش شرکت دلالت دارد.

در ادبیات داخلی نیز نتایج متنوعی گزارش شده است، صالحی و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که کیفیت سرمایه فکری و سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق بهبود بهره‌برداری از منابع انسانی و کاهش نارسایی‌های کنترل داخلی، به عنوان عاملی پیشگیرانه در کاهش ریسک‌های سازمانی ایفای نقش کند. همچنین، نصیرزاده و همکاران (۲۰۲۳) به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات در ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، از جمله مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره، با سطح سرمایه فکری رابطه‌ای مثبت دارند. در همین راستا، مالی و همکاران (۲۰۲۱) و سانگ و همکاران (۲۰۱۵) بر اهمیت حاکمیت ذی‌نفع‌محور و استقرار سازوکارهای نظارتی کارآمد در بهبود عملکرد سازمانی از مسیر تقویت مسئولیت اجتماعی تأکید کرده‌اند. از منظر تاریخی نیز، پژوهش‌های کلاسیک‌تر نظیر لی و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که

ترکیب هیئت مدیره و ساختار مالکیت با سطح افشای سرمایه فکری رابطه‌ای مثبت دارند؛ امری که بیانگر حساسیت این نوع سرمایه به کیفیت حاکمیت و شفافیت سازمانی است.

در ادبیات داخلی، رحمانیان و بادیاب (۱۴۰۳) با وجود عدم تأیید اثر مستقیم سرمایه فکری بر ارزش شرکت، به این نکته اشاره می‌کنند که حاکمیت شرکتی الزاماً تأثیر معناداری بر سرمایه فکری ندارد و عواملی همچون اندازه شرکت می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا کنند. در مقابل، یادگاری فرد و فولادی (۱۴۰۲) با تمرکز بر گزارشگری پایداری نشان می‌دهند که متغیرهایی نظیر اندازه شرکت و تعداد جلسات هیئت مدیره لزوماً با سطح گزارشگری پایداری رابطه مثبت ندارند، هرچند این نوع گزارشگری برای درک پایداری بلندمدت از سوی سرمایه‌گذاران اهمیت اساسی دارد. همچنین، مالزاده جیدرقی و همکاران (۱۴۰۲) بیان می‌کنند که مشارکت در فعالیتهای مسئولیت اجتماعی و ساختار حاکمیت شرکتی، تأثیر معناداری بر کارایی مدیریت سرمایه فکری در ایران دارد. در ادامه، صابری و سعیدی (۱۴۰۰) رابطه مثبت میان سرمایه فکری—به‌ویژه سرمایه انسانی—و مسئولیت اجتماعی را تأیید کرده‌اند؛ یافته‌ای که با نتایج فغانی و همکاران (۱۳۹۸) همسو است، جایی که سرمایه فکری به‌عنوان یک متغیر میانجی کلیدی در رابطه میان حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالی، از جمله اجتناب مالیاتی، معرفی شده است. افزون بر این، گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ویژگی‌های حاکمیتی با شهرت اجتماعی شرکت رابطه‌ای مستقیم و معنادار دارند.

در مجموع، مرور نظام‌مند ادبیات داخلی و بین‌المللی حاکی از آن است که سرمایه فکری و مسئولیت اجتماعی، هر دو از ظرفیت بالایی برای ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد سازمانی برخوردارند. با این حال، نقش تعدیل‌گری مسئولیت اجتماعی در تبیین روابط میان این متغیرها، همچنان نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر و تجربی است؛ خلأیی که پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آن است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی دارد.

فرضیه دوم: مسئولیت اجتماعی رابطه بین سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و با رویکرد توصیفی-همبستگی انجام شده است و هدف آن ارائه شواهد تجربی معتبر و قابل استناد برای مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و نهادهای ناظر بر بازار سرمایه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در صنایع نفت و گاز، فلزات، معادن و استخراج ذغال سنگ است. مجموعاً ۱۴۵ شرکت در صنایع مذکور

فعالیت دارند که از این تعداد، ۱۰۳ شرکت اقدام به افشای اطلاعات مربوط به مسئولیت پذیری شرکتی کرده‌اند. بنابراین، نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۳ شرکت می‌باشد که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این اطلاعات مطابق با داده‌های ارائه شده در نگاره ۱ به وضوح نشان داده شده است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ تعیین شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع معتبر نظیر سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است. همچنین، گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و یادداشت‌های توضیحی مرتبط با آن‌ها به عنوان منابع اطلاعاتی اصلی در این پژوهش مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

نگاره (۱): شرایط انتخاب شرکت‌های نمونه نهایی مورد مطالعه در پژوهش	
۱۴۵	تعداد کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در صنایع نفت و گاز، فلزات اساسی، معادن و استخراج ذغال سنگ در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۹
کسر می‌شود:	
(۳۴)	تعداد شرکت‌هایی که داده‌های پایداری آن‌ها از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ در دسترس نمی‌باشد.
(۸)	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به ۲۹ اسفند ختم نمی‌شود و یا تغییر سال مالی داده‌اند.
۱۰۳	تعداد شرکت‌های نمونه نهایی با در نظر گرفتن شروط انتخاب نمونه جهت برآورد مدل‌ها

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته

کیفیت حاکمیت شرکتی

در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از چهار معیار کلیدی شامل: حضور زنان در هیئت مدیره، عدم دوگانگی وظیفه مدیرعامل، تخصص مالی اعضای هیئت مدیره و سطح تحصیلات اعضای هیئت مدیره استفاده شده است. با توجه به اینکه تمامی این معیارها دارای ماهیت کیفی بوده و به صورت متغیرهای دوجویی (صفر و یک) اندازه‌گیری می‌شوند، جهت سنجش نهایی کیفیت حاکمیت شرکتی از روش «شاخص مجموع ساده» استفاده گردید. در این روش، برای هر شرکت در هر سال، مجموع امتیازات کسب شده در این چهار شاخص محاسبه می‌گردد که عددی بین ۰ تا ۴ خواهد بود (عبدالله و همکاران، ۲۰۱۲، آدامز و فریرا ۲۰۰۹؛ بای و همکاران، ۲۰۰۴؛ گل و همکاران، ۲۰۱۱؛ عباس‌زاده و منظرزاده، ۱۳۹۰). این رویکرد به منظور همگن‌سازی مقیاس اندازه‌گیری، افزایش قابلیت

تفسیر نتایج و جلوگیری از سوگیری‌های ناشی از وزن‌دهی در روش‌های چندمتغیره اتخاذ شده است. نحوه عملیاتی کردن هر یک از این سازوکارها در نگاره (۲) ارائه شده است.

متغیر مستقل

سرمایه فکری

در پژوهش حاضر به تبعیت از پالیک^۱ (۱۹۹۹) برای محاسبه سرمایه فکری از متغیرهای ارزش افزوده (VA)، کارائی سرمایه بکار گرفته شده (CEE)، کارایی سرمایه انسانی (HCE) و کارایی سرمایه ساختاری (SCE) استفاده شده است. نحوه محاسبه هر کدام از متغیرهای فوق در نگاره (۲) گزارش شده است.

متغیر تعدیلگر

مسئولیت اجتماعی شرکت

در پژوهش حاضر؛ متغیر تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها است. در این پژوهش، برای سنجش میزان عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از چارچوب مؤسسه آمریکایی KLD استفاده شده است که در پژوهش‌های پیشین از جمله مشیرا و همکاران (۲۰۱۱) نیز به کار رفته است. بر اساس این چارچوب، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل چهار بُعد اصلی است: مشارکت اجتماعی (COM)، روابط کارکنان (EMP)، مدیریت زیست‌محیطی (ENV) و ویژگی محصولات (PRO). نمونه‌هایی از نقاط قوت و ضعف هر یک از این ابعاد در نگاره (۱) ارائه شده است. در فرآیند استخراج داده‌ها، متن گزارش فعالیت هیئت‌مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام و گزارش تفسیری مدیریت هر شرکت، به صورت دقیق مطالعه و بر اساس شاخص‌های مندرج در نگاره (۱) ارزیابی گردید. در این مرحله، به هر مشاهده بر اساس نوع اشاره در گزارش‌ها مقادیر عددی اختصاص یافت (کدگذاری؛ یعنی تخصیص داده‌های ۰، ۱ و -۱ به ترتیب برای فقدان اشاره، وجود نقطه قوت و وجود نقطه ضعف). سپس برای هر بُعد، امتیاز خالص از کسر نقاط ضعف از نقاط قوت محاسبه شد و در نهایت مجموع امتیازات چهار بُعد، شاخص کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تشکیل داد.

رابطه ۱)

$$CSR1_{i,t} = COM_{i,t} + PRO_{i,t} + EMP_{i,t} + ENV_{i,t}$$

تمامی کدگذاری‌ها توسط پژوهشگر انجام و پس از اتمام، یک‌بار دیگر جهت کنترل دقت و اطمینان از یکنواختی ارزیابی‌ها بازبینی گردید. از آنجا که نگاره (۲) شامل تعریف عملیاتی، نمونه نقاط قوت و ضعف و معیار تشخیص هر بُعد است، فرآیند اندازه‌گیری از قابلیت بازتولید بالایی برخوردار بوده و امکان استفاده مجدد از شاخص‌ها در پژوهش‌های مشابه را فراهم می‌کند. همچنین جهت اطمینان از روایی محتوا، نتایج کدگذاری با اطلاعات

¹ Palik

منتشر شده در گزارش‌های مشابه داخلی مورد مقایسه قرار گرفت و هم‌جهتی نتایج، روایی شاخص را تأیید می‌نماید.

نگاره ۲. نمونه‌هایی از نقاط قوت و ضعف ابعاد مسئولیت اجتماعی

متغیر	نقاط قوت	نقاط ضعف
مشارکت اجتماعی (COM)	۱- کمک‌های خیریه ۲- کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت در طرح‌های عمومی)	۱- اثر نامطلوب اقتصادی (اثر منفی بر کیفیت زندگی و تعطیلی کارخانه) ۲- عدم پرداخت مالیات
روابط کاکنان (EMP)	۱- به اشتراک گذاشتن سود نقدی ۲- مزایای بازنشستگی	۱- ضعف بهداشت و ایمنی ۲- کاهش نیروی کار
محیط زیست (ENV)	۱- انرژی پاک (استفاده از سوخت‌هایی با آلاینده‌گی کمتر) ۲- کنترل آلودگی هوا و کاهش گازهای گلخانه‌ای	۱- تولید زباله‌های خطرناک ۲- پرداخت جریمه به دلیل نقض مقررات مدیریت زباله
ویژگی محصولات (PRO)	۱- کیفیت محصول ۲- ایمنی محصول	۱- پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول ۲- پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی

متغیرهای کنترلی

در پژوهش حاضر از به تبعیت از وو و همکاران (۲۰۲۲) از متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. نحوه محاسبه هر کدام از متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) گزارش شده است.

نگاره (۳): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش				
نوع متغیر	نام متغیر	نماد	تعریف	منبع

متغیرهای مربوط به فاکتورهای محاسبه حاکمیت شرکتی	حضور زن در هیئت مدیره	Female	حضور زن در هیئت مدیره (در صورت حضور عدد یک و عدم حضور عدد صفر)	عبد...و همکاران (۲۰۱۲)، آدامز و فریرا (۲۰۰۹)
	دوگانگی مدیر عامل	Dual	یکسان بودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل (در صورت جدا بودن عدد یک و در صورت یکی بودن عدد صفر)	بای و همکاران (۲۰۰۴)، گل و همکاران (۲۰۱۱)
	دانش مالی اعضاء هیئت مدیره	EXP	مدرک تحصیلی مالی بین اعضای هیئت مدیره (حضور حتی یک نفر فارغ التحصیل رشته‌های حسابداری، حسابرسی یا مدیریت مالی عدد یک و در صورت عدم حضور عدد صفر)	عباس زاده و منظرزاده (۱۳۹۰)
	مقطع تحصیلی اعضاء هیئت مدیره	EDU	فارغ التحصیل دکترای در بین اعضای هیئت مدیره (حضور حتی یک نفر فارغ التحصیل دکترای حسابداری یا حسابرسی یا مدیریت مالی عدد یک و در صورت عدم حضور عدد صفر)	عباس زاده و منظرزاده (۱۳۹۰)

پالیک (۱۹۹۸)	که در آن VA: ارزش افزوده؛ W: حقوق کارکنان؛ I: هزینه بهره؛ T: مالیات؛ NI: سود خالص پس از کسر مالیات $VA=W+I+T+NI$	VA	ارزش افزوده	متغیرهای مربوط به فاکتورهای محاسبه سرمایه فکری
پالیک (۱۹۹۸)	نسبت ارزش افزوده به دارایی فیزیکی نامشهود $\frac{VA}{CA}$	CEE	کارایی سرمایه بکار گرفته شده	
پالیک (۱۹۹۸)	نسبت ارزش افزوده به هزینه حقوق و دستمزد کارکنان $\frac{VA}{HC}$	HCE	کارایی سرمایه انسانی	
پالیک (۱۹۹۸)	نسبت سرمایه ساختاری به ارزش افزوده $\frac{SC}{VA}$	SCE	کارایی سرمایه ساختاری	
پالیک (۱۹۹۸)	$VAIC = VACA + VAHU + STVA$	VACE	نمره کل سرمایه فکری	

مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)	نقاط قوت: شامل کمک‌های غیرنقدی به برنامه‌های اجتماعی، کمک به مؤسسات خیریه، حمایت از آموزش و ارائه بورس تحصیلی به دانشجویان، حمایت از فعالیت‌های ورزشی، مشارکت در طرح‌های عمومی و پشتیبانی برای تهیه مسکن در مناطق محروم. نقاط ضعف: تأثیر منفی بر کیفیت زندگی، تعطیلی کارخانه.	CSR-COM-S	معیارهای مربوط به مشارکت اجتماعی
مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)	نقاط قوت شامل مزایای کارکنان (پاداش، وام و سایر خدمات مالی) مزایای بازنشستگی، سلامت محیط کارکنان، تحصیلات و آموزش کارکنان، مالکیت سهام کارکنان، به اشتراک گذاشتن سود نقدی. نقاط ضعف شامل ضعف ایمنی و بهداشت کارکنان (ISO ۱۸۰۰۰)، کاهش تعداد کارکنان و ضعف در مزایای بازنشستگی (کسری بودجه بازنشستگی).	CSR-COM-S	معیارهای مربوط به مسئولیت اجتماعی برهای مربوط به فاکتورهای محاسبه مسئولیت اجتماعی به سرمایه انسانی
مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)	نقاط قوت شامل رعایت استانداردهای کیفیت محصول (ISO ۹۰۰۰)، ارائه خدمات پس از فروش، ایمنی محصولات، توسعه محصول. نقاط ضعف شامل پرداخت جریمه در رابطه با تبلیغات منفی، پرداخت جریمه در رابطه با ایمنی محصول.	CSR-PRO-S	معیارهای مربوط به کیفیت کالا و خدمات
مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)	نقاط قوت شامل جبران خسارت به محیط‌زیست، استفاده از سوخت با آلودگی کمتر، کنترل آلودگی‌های هوا، استفاده از انرژی پاک، برنامه پیشگیری آلودگی محیط‌زیست، مدیریت محیطی (ISO ۱۴۰۰۰) دریافت جایزه در زمینه محیط‌زیست، فعالیت‌های حفاظتی و استفاده از مواد بازیافتی برای ساخت محصول، ساخت محصول مطابق با استانداردهای محیط‌زیست پرداخت جریمه به علت نقض مدیریت زباله و آلودگی هوا، تولید زباله‌های خطرناک، استفاده از مواد شیمیایی کاهش دهنده اوزون	CSR-ENV-S	معیارهای مربوط به عملکرد زیست‌محیطی
مشایخ و همکاران (۱۴۰۰)	CSR-S = CSR-COM-S + CSR-EMP-S + CSR-ENV-S + CSR-PRO-S	CSR-S	نمره کل مسئولیت اجتماعی

متغیرهای کنترلی	اندازه شرکت	SIZE	این متغیر کوچک و بزرگ بودن شرکت‌ها را نشان می‌دهد. اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.	وو و همکاران (۲۰۲۲)
	عمر شرکت	AGE	بیانگر فرصت‌های رشد شرکت است. این متغیر برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که از زمان تأسیس یا فعالیت شرکت می‌گذرد. استفاده از لگاریتم به منظور کاهش پرنده‌گی داده‌ها و نرمال‌سازی متغیر انجام شده است (گامبرز و همکاران، ۲۰۰۳).	وو و همکاران (۲۰۲۲)
	اهرم مالی	Leverage	نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی می‌باشد و هدف از این کار کنترل تاثیر پوشش بدهی بر عملکرد شرکت‌ها است.	وو و همکاران (۲۰۲۲)

رگرسیون اصلی

در پژوهش حاضر برای بررسی نقش تعدیلگری مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی از مدل رگرسیونی زیر که توسط وو و همکاران (۲۰۲۲) ارائه شده است، استفاده می‌شود:

مدل (۱)

$$CG_{it} = \beta_0 + \beta_1 VAIC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 INST_OWN_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$CG_{it} = \beta_0 + \beta_1 VAIC_{it} + \beta_2 CSR_{it} + \beta_3 VAIC * CSR_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \beta_7 INST_OWN_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

بررسی فروض کلاسیک

پیش از برآورد نهایی مدل‌های پژوهش، مجموعه‌ای از آزمون‌های تشخیصی و پیش‌نیازهای لازم برای اعتبارسنجی الگوی برآوردی مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، آزمون‌های مانایی متغیرها، بررسی همجمعی از طریق آزمون کائو، آزمون همخطی چندگانه (با استفاده از مقادیر VIF) و نیز آزمون‌های

تعیین ساختار مناسب داده‌های تابلویی شامل آزمون چاو و آزمون هاسمن انجام شد. نتایج این آزمون‌ها بیانگر برقرار بودن فروض لازم و کفایت مشخصات اقتصادسنجی مدل‌ها برای انجام برآوردهای نهایی بوده است. برای جلوگیری از افزایش حجم اضافی مون اصلی مقاله، از ارائه جزئیات کامل نتایج آزمون‌های مذکور در متن اصلی خودداری شده و در ادامه، تمرکز اصلی بر ارائه و تحلیل نتایج حاصل از تخمین مدل‌های نهایی قرار گرفته است. در نگاره (۴) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. از جمله مهم‌ترین کاربردهای بررسی آمار توصیفی نتیجه‌گیری در مورد نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها است. پرکاربردترین آزمون‌ها در مورد بررسی نرمال بودن متغیرها آزمون جارک-برا می‌باشد. با استفاده از آماره این آزمون می‌توان در مورد نرمال بودن یا غیر نرمال بودن متغیرها نتیجه‌گیری کرد. فرض صفر این آزمون مبنی بر نرمال بودن متغیرها است.

نگاره (۴): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش					
متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
مسئولیت اجتماعی شرکت	۲,۴۰۷	۲,۰۰۰	۱۳,۰۰	۰,۰۱۰	۲,۹۷۸
اندازه شرکت	۱۳,۶۱۲	۱۳,۵۸۹	۱۸,۴۷۸	۱۱,۱۶۸	۰,۹۹۸
اهرم مالی	۰,۵۱	۰,۴۸	۳,۵۸۶	۰,۰۰۹	۰,۳۲۵
مالکیت نهادی	۰,۷۲۹	۰,۷۶۸	۰,۹۹۵	۰,۰۵۵	۰,۱۸۰
عمر شرکت (لگاریتم طبیعی سن شرکت)	۱,۴۲۴	۱,۳۹۸	۱,۸۵۱	۱,۰۴۱	۰,۱۹۶
سرمایه فکری	۰,۳۳۰	۰,۰۴۱	۷,۵۸۵	۰,۰۰۱	۲,۹۷۷

شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی آن‌ها از یکدیگر یا پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. انحراف معیار متغیرها در پژوهش حاضر صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰,۵۱ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیر اهرم مالی ۰,۳۲ است. به عبارت دیگر مقدار انحراف معیار فوق نشان می‌دهد که متوسط میزان پراکندگی متغیر ارزش بازار حول میانگین برابر با ۰,۳۲ است.

آزمون نهایی فرضیه‌های اول و دوم پژوهش

نگاره (۵) نشان‌دهنده نتایج حاصل از آزمون رگرسیون رابطه بین سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی با تعدیلگری مسئولیت اجتماعی می‌باشد. در نگاره ارائه شده در بالا نتایج مربوط به آماره F (۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که مدل مورد بررسی معنادار می‌باشد. علاوه بر آن ضریب تعیین بیانگر آن است که چند درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل بالا توضیح داده می‌شوند. برای مثال در نگاره (۵) ضریب تعیین ۰/۵۲ می‌باشد که بیانگر آن است که تقریباً ۵۲ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
سرمایه فکری	VAIC	۰,۰۰۱	۲,۲۷۴	۰,۰۲۳
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۴	۰,۱۵۹	۰,۸۷
اهرم مالی	LEVERAGE	-۰,۱۰۳	۱۰,۹۰۶	۰,۰۰۱
عمر شرکت	AGE	-۰,۲۵۷	-۲,۳۸۳	۰,۰۱۷۵
مالکیت نهادی	INST_OWN	-۰,۰۷۱	-۰,۴۴۱	۰,۶۵۸
عدد ثابت	C	۳,۲۶۷	۵,۵۹۰	۰,۰۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۶۱		
آماره دوربین واتسون		۱,۵۴		

مطابق با نتایج نگاره ۶، ضریب متغیر تعاملی معادل ۱,۱۴۱ و در سطح ۵ درصد معنادار است. مثبت بودن این ضریب تأییدی بر نقش تعدیل‌گر مثبت مسئولیت اجتماعی است؛ بدین معنا که با ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، رابطه مستقیم میان سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی تقویت می‌گردد. این یافته از نظر اقتصادی نشان‌دهنده وجود هم‌افزایی میان ارزش‌های اخلاقی شرکت و توانمندی‌های فکری مدیران در جهت بهبود سیستم‌های نظارتی است.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
سرمایه فکری	VAIC	۰,۰۰۲	۳,۵۴۳	۰,۰۱۶
مسئولیت اجتماعی	CSR	۰,۵۴۷	۵,۵۲۷	۰,۰۰۲

۰,۰۰۱	۴,۲۷۸	۰,۲۳۸	VAIC×CSR	سرمایه فکری*مسئولیت اجتماعی
۰,۲۹۳	-۱,۱۷۲	-۰,۰۲۶	SIZE	اندازه شرکت
۰,۰۱۸	۳,۴۱۷	۰,۰۰۲	LEVERAGE	اهرم مالی
۰,۰۳۵	-۲,۸۴۸	-۰,۰۲۶	AGE	عمر شرکت
۰,۱۰	۳,۹۵۵	۰,۲۳۴	INST_OWN	مالکیت نهادی
۰,۰۰۱	۷,۰۱۹	۰,۹۹۸	C	عدد ثابت
۰,۶۴			ضریب تعیین تعدیل شده	
۱,۸۸			آماره دوربین واتسون	

آزمون تحلیل حساسیت

به منظور اطمینان از اعتبار نتایج و کنترل تورش احتمالی ناشی از درون‌زایی، مدل پژوهش با استفاده از وقفه زمانی متغیرهای مستقل مجدداً تخمین زده شد. نتایج حاصل از تحلیل حساسیت نشان داد که تأثیر سرمایه فکری دوره قبل بر کیفیت حاکمیت شرکتی دوره جاری همچنان مثبت و معنادار است که حاکی از پایداری یافته‌ها و عدم وجود علیت معکوس در مدل می‌باشد. شایان ذکر است که به دلیل محدودیت در حجم مقاله، از ارائه جداول خروجی این آزمون خودداری شده و نتایج نزد نویسندگان محفوظ است.

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز که به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش و نوآوری حرکت می‌کند، سرمایه‌های نامشهود و به‌ویژه سرمایه فکری به‌عنوان یکی از عوامل اصلی موفقیت شرکت‌ها در محیط‌های رقابتی شناخته می‌شود. سرمایه فکری، به‌ویژه در سازمان‌هایی که در صنایع پیچیده و متغیر فعالیت می‌کنند، به‌طور مؤثری می‌تواند مزیت رقابتی و توانایی رقابت در بازارهای جهانی را افزایش دهد. در این راستا، تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه فکری از طریق سه مؤلفه اصلی: سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، و سرمایه رابطه‌ای، به‌طور مستقیم بر کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یک عامل تعدیل‌کننده، می‌تواند این رابطه را تقویت کند و باعث بهبود کارکرد سازوکارهای نظارتی و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها شود.

فرضیه اول این پژوهش به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی پرداخته است. نتایج این بخش از پژوهش نشان داد که سرمایه فکری تأثیر مثبت و قابل توجهی بر بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی دارد. این یافته‌ها با تحقیقات پیشین هم‌راستا است که نشان می‌دهند سرمایه فکری، به‌ویژه در حوزه‌های سرمایه انسانی و ساختاری، می‌تواند به‌طور چشمگیری به تقویت نظارت بر عملکرد مدیران و بهبود شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌ها کمک کند. در خصوص تأثیر سرمایه انسانی، یافته‌ها نشان دادند

که بهبود کارایی کارکنان و تخصص آن‌ها به‌طور مستقیم با بهبود نظارت و کنترل‌های داخلی در ارتباط است. در شرکت‌های فعال در صنایع نفت و گاز، فلزات و معادن، مشاهده شد که افزایش سطح سرمایه فکری موجب بهبود تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و کارایی مدیریت می‌شود. این امر در نهایت به بهبود عملکرد کلی حاکمیت شرکتی، به‌ویژه از نظر شفافیت و پاسخگویی به ذینفعان منجر شده است. یافته‌ها در این زمینه با تحقیقات قبلی که بر تأثیر مثبت سرمایه انسانی بر عملکرد حاکمیت شرکتی تأکید دارند، هم‌راستاست. در رابطه با سرمایه ساختاری، نتایج نشان دادند که شرکت‌هایی که سرمایه ساختاری خود را به‌طور مؤثر مدیریت کرده‌اند (مانند استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته و فرآیندهای کارآمد داخلی)، توانسته‌اند نظارت بهتری بر عملکرد مدیران داشته باشند و سطح پاسخگویی را ارتقا دهند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های قبلی هم‌خوانی دارد که نشان داده‌اند سرمایه ساختاری می‌تواند به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت کمک کند و در نتیجه، کیفیت حاکمیت شرکتی را تقویت نماید.

فرضیه دوم این پژوهش به نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین سرمایه فکری و کیفیت حاکمیت شرکتی پرداخته است. نتایج نشان دادند که مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند این رابطه را تقویت کرده و باعث بهبود شفافیت و پاسخگویی به ذینفعان شود. به‌ویژه، هنگامی که شرکت‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در استراتژی‌های خود گنجانده‌اند، می‌توانند اعتبار خود را ارتقا دهند و در عین حال شفافیت اطلاعاتی و نظارت بر عملکرد مدیران را بهبود بخشند. نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات پیشین هم‌راستاست که بر تأثیر مثبت مسئولیت اجتماعی در تقویت حاکمیت شرکتی تأکید کرده‌اند. به‌ویژه، در شرکت‌هایی که به محیط‌زیست و جامعه توجه بیشتری دارند، این نوع مسئولیت‌پذیری باعث کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی و اجتماعی شده و به‌طور مستقیم موجب بهبود عملکرد بلندمدت و پایداری سازمان می‌شود. برای نمونه، در صنایع حساس مانند نفت و گاز، شرکت‌هایی که سیاست‌های مسئولیت اجتماعی خود را به‌طور مؤثر اجرا کرده‌اند، توانسته‌اند نه تنها با بهبود عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی اعتبار خود را ارتقا دهند، بلکه توانسته‌اند هزینه‌های اجتماعی و محیطی را کاهش دهند و از این طریق عملکرد خود را تقویت کنند. این فرآیند باعث افزایش اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران به شرکت‌ها شده و در نتیجه کیفیت حاکمیت شرکتی را به‌طور مستقیم بهبود می‌بخشد.

پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش

با توجه به اینکه وجود یک حاکمیت شرکتی قوی و مطلوب، می‌تواند استفاده فرصت‌طلبانه مدیران از منابع شرکت را محدود نماید، توصیه می‌شود سرمایه‌گذاران در فرآیند انتخاب سرمایه‌گذاری‌های خود، به عوامل و سازوکارهای حاکمیت شرکتی توجه ویژه‌ای داشته باشند. این موضوع می‌تواند به کاهش

ریسک‌های ناشی از تصمیمات نامناسب مدیریتی کمک کرده و ارزش افزوده بلندمدت شرکت‌ها را تضمین نماید. همچنین، با توجه به تأثیر مثبت سرمایه فکری بر کیفیت حاکمیت شرکتی، پیشنهاد می‌شود مدیران و سرمایه‌گذاران، نظارت و توجه ویژه‌ای بر استقرار و بهبود عوامل مرتبط با سرمایه فکری داشته باشند. این امر شامل توسعه و بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌های انسانی، رابطه‌ای و ساختاری شرکت می‌شود که در نهایت موجب تقویت سازوکارهای حاکمیتی و بهبود عملکرد کلی سازمان خواهد شد. علاوه بر این، توصیه می‌شود سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان، ابتکار عمل را در ایجاد فرآیندهای قانونی و دانشی تقویت کنند تا بتوانند هیئت‌مدیره‌هایی متشکل از اعضای متخصص، با دانش و مهارت‌های کافی و توانمندی‌های ارتباطی بالا تشکیل دهند. این امر تضمین می‌کند که اعضای هیئت‌مدیره علاوه بر بهره‌گیری از تخصص‌های خود، بتوانند اطلاعات باکیفیت ارائه داده و در پاسخگویی به ذینفعان، نقش موثری در حفظ و ارتقای اعتبار شرکت ایفا کنند.

در نهایت، با توجه به نقش فزاینده مسئولیت اجتماعی در موفقیت و بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت‌ها، پیشنهاد می‌شود ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی در تدوین استراتژی‌های سازمانی و انتخاب فرصت‌های سرمایه‌گذاری مد نظر قرار گیرد. توجه به این جنبه می‌تواند به کاهش ریسک‌های عملیاتی و حقوقی، افزایش شفافیت و ایجاد اعتماد میان سهامداران و سایر ذینفعان کمک شایانی نماید. این پیشنهادها می‌تواند راهگشای ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی و بهبود عملکرد مالی و استراتژیک شرکت‌ها در بلندمدت باشد.

پیشنادهایی برای توسعه تحقیقات آینده

پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آتی، مدل مفهومی را با تمرکز بر ابعاد جزئی سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی تعمیق بخشند. به جای استفاده از شاخص‌های کلی، بررسی تأثیر مستقیم سرمایه رابطه‌ای (شامل شبکه‌های مدیریتی و ارتباطات با ذینفعان حیاتی) بر مؤلفه‌های خاص حاکمیت مانند استقلال کمیته‌های فرعی هیئت‌مدیره یا کیفیت افشا و شفافیت اطلاعات ضروری است. علاوه بر این، با توجه به صنایع مورد مطالعه (نفت، گاز و فلزات)، می‌توان به طور خاص، تأثیر سرمایه فکری بر سازوکارهای جدید نظارتی مانند حاکمیت سبز یا مدیریت ریسک‌های زیست‌محیطی را بررسی کرد. این رویکرد به روشن شدن دقیق‌تر کانال‌هایی که سرمایه فکری از طریق آن بر نظارت مؤثر تأثیر می‌گذارد، کمک شایانی خواهد کرد.

برای افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج، لازم است که مدل پژوهش در صنایع کاملاً متفاوت از صنایع سرمایه‌بر فعلی (نفت، فلزات و معادن) مجدداً مورد آزمون قرار گیرد؛ به عنوان مثال، در بخش‌هایی مانند

فناوری اطلاعات، بانکداری یا خدمات مالی که شدت سرمایه انسانی در آن‌ها بسیار بالاست. این مقایسه می‌تواند تفاوت‌های ساختاری و نهادی در تأثیر متغیرها را روشن سازد. همچنین، انجام مطالعات تطبیقی (میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران و سایر بازارهای نوظهور یا کشورهای منطقه، می‌تواند برای درک تأثیر محیط نهادی و قانونی بر رابطه بین سرمایه فکری، مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی، اطلاعات بسیار ارزشمندی فراهم آورد.

در حوزه روش‌شناسی، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آتی از روش‌های پیشرفته اقتصادسنجی برای مقابله با مشکل درون‌زایی و ارائه شواهد قوی‌تر در خصوص رابطه علی استفاده کنند. کاربرد تکنیک‌هایی مانند GMM سیستمی یا استفاده از متغیرهای ابزاری می‌تواند بر محدودیت‌های روش‌های رگرسیونی پیل داده‌های معمول فائق آید. علاوه بر این، جهت تحلیل عمیق‌تر، می‌توان از مطالعات رویداد برای بررسی نحوه تأثیر تغییرات ناگهانی در مقررات حاکمیت شرکتی یا انتشار گزارش‌های مهم مسئولیت اجتماعی بر ارزش دارایی‌های نامشهود (سرمایه فکری) شرکت‌ها استفاده کرد.

منابع

- اسماعیل زاده مقری، علی، جلیلی، محمد، و زندعباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، ۳ (۷)، ۷۹-۹۱.
- جودی، سمیرا؛ منصورفر، غلامرضا و دیدار، حمزه. (۱۳۹۸). کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی، عدم تقارن اطلاعاتی و نگهداشت وجه نقد: افزایش یا کاهش ارزش شرکت؟ *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی* ۲۶ (۱)، ۳۹-۶۴.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴). مفاهیم حاکمیت شرکتی. *ماهنامه حسابداری*، شماره ۱۶۷.
- حساس یگانه، یحیی؛ برزگر، قدرت‌الله (۱۳۹۴). راهبری شرکتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نظریه‌های حسابداری رویکرد اقتصاد سیاسی و نظریه اثباتی. *حسابداری رسمی*، ۳۳ (۱۳)، ۹۴ تا ۱۰۶.
- حساس یگانه، یحیی؛ حسنی، محمد و کاشانیان، شیوا (۱۳۹۰). مقاله راهبری: حاکمیت شرکتی منافع چه کسانی را باید تأمین کند؟. *حسابداری*، ۲۴۰، ۹۴-۹۷.
- دستگیر، محسن و محمدی، کامران (۱۳۸۸). سرمایه فکری: گنج تمام‌نشدنی سازمان. *نشریه تدبیر*، ۲۱۴، ۲۸-۳۴.
- شاه حسینی، محمد علی؛ جواهری شلمانی، سیده فروزان، حسقلی پور، طهورث و یاسوری، رستمی (۲۰۱۹). ارزیابی و مقایسه شاخص‌های کلیدی عملکرد توسعه پایدار در صنعت پتروشیمی با استفاده از SMAA و SMAA-S. *مدیریت صنعتی*، ۱۱ (۲)، ۳۰۲-۲۷۳.
- فغانی، مهدی، زارعی، حمید، سعیدی گراغانی، مسلم و دارسنج، سکینه. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۲)، ۲۴۶-۲۱۹.

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول؛ بادایاب، آرش (۲۰۴۱). تاثیر حاکمیت شرکتی، سودآوری و اندازه شرکت بر ارزش شرکت با نقش میانجی سرمایه فکری. مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، ۳(۲)، ص ۳۰-۲۲۰.

گرمسیری صدیقه، وکیلی فرد حمیدرضا، طالب نیا قدرت‌الله (۱۳۹۶). بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بر شهرت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۳۵(۱۰)، ۱۳-۴۳.

مجتهدزاده، ویدا (۱۳۸۲). نقش حسابداری مدیریت در انعکاس سرمایه فکری. ماهنامه حسابداری، ۱۷-۹.

References

- Abualoush, S., Masa'deh, R. E., Bataineh, K., & Alrowwad, A. A. (2018). The role of knowledge management process and intellectual capital as intermediary variables between knowledge management infrastructure and organization performance. *Interdisciplinary Journal of Information, Knowledge, and Management*, 13, 279-309.
- Esmaeilzadeh Moghari, A., Jalili, M., & Zandabbas Abadi, A. (2010). Investigating the effect of corporate governance on earnings quality in the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 3(7), 79-91 (In Persian).
- Adams, R. B., & Ferreira, D. (2009). Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *Journal of financial economics*, 94(2), 291-309.
- Adams, R. B., & Ferreira, D. (2009). Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *Journal of financial economics*, 94(2), 291-309.
- Adegbayibi, A. T. (2021). Intellectual capital and firm performance of listed firms in Nigeria: Moderating role of corporate governance. *Jurnal Akuntansi Dan Auditing*, 17(2), 33-46.
- Aggarwal, R., Erel, I., Ferreira, M., & Matos, P. (2011). Does governance travel around the world? Evidence from institutional investors. *Journal of financial economics*, 100(1), 154-181.
- Agrawal, A., & Chadha, S. (2005). Corporate governance and accounting scandals. *The Journal of Law and Economics*, 48(2), 371-406.
- Aguilera, R. V., Williams, C. A., Conley, J. M., & Rupp, D. E. (2006). Corporate governance and social responsibility: A comparative analysis of the UK and the US. *Corporate Governance: an international review*, 14(3), 147-158.
- Albinger, H. S., & Freeman, S. J. (2000). Corporate social performance and attractiveness as an employer to different job seeking populations. *Journal of business ethics*, 28(3), 243-253.
- Alvino, F., Di Vaio, A., Hassan, R., & Palladino, R. (2021). Intellectual capital and sustainable development: a systematic literature review. *Journal of intellectual capital*, 22(1), 76-94.
- Anghel, I., Siminică, M., Cristea, M., Sichigea, M., & Noja, G. G. (2018). Intellectual capital and financial performance of biotech companies in the pharmaceutical industry. *Amfiteatru Economic*, 20(49), 631-646.
- Aras, G., Aybars, A., & Kutlu, O. (2011). The interaction between corporate social responsibility and value added intellectual capital: empirical evidence from Turkey. *Social Responsibility Journal*, 7(4), 622-637.
- Asiaei, K., Bontis, N., Alizadeh, R., & Yaghoubi, M. (2022). Green intellectual capital and environmental management accounting: Natural resource orchestration in favor of environmental performance. *Business Strategy and the Environment*, 31(1), 76-93.
- Assakaf, E. A. A., Qasem, A., Qaderi, S. A., & Alaskar, M. Z. (2025). Corporate social responsibility and intellectual capital: the moderating role of institutional ownership in an emerging market. *Sustainability*, 17(11), 4852.

- Bebchuk, L., Cohen, A., & Ferrell, A. (2009). What matters in corporate governance?. *The Review of financial studies*, 22(2), 783-827.
- Bontis, N. & Fitz-enz, J. (2002). Intellectual capital ROI: a causal map of human capital antecedents and consequents. *Journal of Intellectual Capital*, 3 (3) 223-247.
- Bontis, N. (1998). Intellectual capital: an exploratory study that develops measures and models, *Management decision*, 36(2), 63-76.
- Buallay, A., & Hamdan, A. (2019). The relationship between corporate governance and intellectual capital: The moderating role of firm size. *International Journal of Law and Management*, 61(2), 384-401.
- Carroll, A. B. (1979). A Three-Dimensional Conceptual Model of Corporate Performance. *Academy of Management Review*, 4(4), 497-505.
- Carroll, A. B. (1999). Corporate social responsibility: Evolution of a definitional construct. *Business & society*, 38(3), 268-295.
- Chang, C. H., & Chen, Y. S. (2012). The determinants of green intellectual capital. *Management decision*, 50(1), 74-94.
- Chang, C. S., Yu, S. W., & Hung, C. H. (2015). Firm risk and performance: the role of corporate governance. *Review of Managerial Science*, 9, 141-173.
- Cheng, S., Lin, K. Z., & Wong, W. (2016). Corporate social responsibility reporting and firm performance: evidence from China. *Journal of Management & Governance*, 20(3), 503-523.
- Dahlsrud, A. (2008). How corporate social responsibility is defined: an analysis of 37 definitions. *Corporate social responsibility and environmental management*, 15(1), 1-13.
- Dashtbayaz, M. L., Salehi, M., Mirzaei, A., & Nazaridavaji, H. (2020). The impact of corporate governance on intellectual capitals efficiency in Iran. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 13(4), 749-766.
- Dastgir, M., & Mohammadi, K. (1388). Intellectual capital: the inexhaustible treasure of the organization. *Tadbir magazine*, 28-34.214 (in Persian).
- Davenport, T. H., & Prusak, L. (1998). Working knowledge: How organizations manage what they know. *Harvard Business Press*.
- Dean, A., & Kretschmer, M. (2007). Can ideas be capital? Factors of production in the postindustrial economy: A review and critique. *Academy of Management Review*, 32(2), 573-594.
- Faghani, M., Zarei, H., Saeidi, M., & Darsanj, S. (2019). Intellectual Capital and the Relation between Corporate Governance and Tax Avoidance. *Empirical Research in Accounting*, 9(2), 219-246 (in Persian).
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Fawole, O. G., Cai, X. M., & MacKenzie, A. R. (2016). Gas flaring and resultant air pollution: A review focusing on black carbon. *Environmental pollution*, 216, 182-197.
- Gangi, F., Salerno, D., Meles, A., & Daniele, L. M. (2019). Do corporate social responsibility and corporate governance influence intellectual capital efficiency?. *Sustainability*, 11(7), 1899.
- Garcia, A. S., Mendes-Da-Silva, W., & Orsato, R. (2017). Sensitive industries produce better ESG performance: Evidence from emerging markets. *Journal of Cleaner Production*, 150, 135-147.
- Gharmsiri, S., Vakil Fard, H & Talibnia, Gh. (2016). Summary of reporting the effect of corporate social responsibility, corporate governance features, financial performance, on the social reputation of acceptable companies in the Tehran Stock Exchange. *Management accounting scientific research quarterly*. 35 (10), 13-43 (in Persian).
- Godos-Díez, J. L., Cabeza-Garcia, L., Alonso-Martínez, D., & Fernández-Gago, R. (2018). Factors influencing board of directors' decision-making process as determinants of CSR engagement. *Review of Managerial Science*, 12, 229-253.

- Godos-Diez, J. L., Cabeza-Garcia, L., Alonso-Martínez, D., & Fernández-Gago, R. (2018). Factors influencing board of directors' decision-making process as determinants of CSR engagement. *Review of Managerial Science*, 12(1), 229-253.
- Gompers, P., Ishii, J., & Metrick, A. (2003). Corporate governance and equity prices. *The quarterly journal of economics*, 118(1), 107-156.
- Gottesman, A., & Morey, M. R. (2006). Does a better education make for better managers? An empirical examination of CEO educational quality and firm performance. *An Empirical Examination of CEO Educational Quality and Firm Performance* (April 21, 2006). Pace University Finance Research Paper, (2004/03).
- Güner, A. B., Malmendier, U., & Tate, G. (2008). Financial expertise of directors. *Journal of financial Economics*, 88(2), 323-354.
- Gupta, K., Krishnamurti, C., & Tourani-Rad, A. (2013). Is corporate governance relevant during the financial crisis?. *Journal of International Financial Markets. Institutions and Money*, 23, 85-110.
- Guthrie, J., Petty, R., & Ricceri, F. (2006). The voluntary reporting of intellectual capital: Comparing evidence from Hong Kong and Australia. *Journal of intellectual capital*, 7(2), 254-271.
- Haris, M., Yao, H., Tariq, G., Malik, A., & Javaid, H. M. (2019). Intellectual capital performance and profitability of banks: Evidence from Pakistan. *Journal of Risk and Financial Management*, 12(2), 56.
- Hassas Yeganeh, Y., & Barzegar, G. (2015). Corporate governance: Corporate social responsibility and accounting theories from the perspectives of political economy and positive theory. *Certified Public Accountant*, 13(33), 94-106. (in Persian).
- Hassas Yeganeh, Y., Hassani, M., & Kashanian, Sh. (2011). Corporate governance: Whose interests should it serve? *Hesabdar*, 240, 94-97. (in Persian).
- Hassah Yeganeh, Y. (2004). Concepts of corporate governance. *Accountant Monthly*, No. 167. (in Persian).
- Ismailzadeh Moghri, A., Jalili, M., & Zandabbasabadi, A. (1389). Investigating the impact of corporate governance on profit quality in Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 3(7), 79-91 (in Persian).
- Jalili, A., & Hemti, H. (1390). Corporate governance and intellectual capital performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 4(11), 13-24 (in Persian).
- Jensen, M. C. (1993). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *the Journal of Finance*, 48(3), 831-880.,
- Jensen, M. C. (1993). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *the Journal of Finance*, 48(3), 831-880.,
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial economics*, 3(4), 305-360.
- Joudi, S., Mansourfar, G., & Didar, H. (2019). Internal and External Corporate Governance Quality, Information Asymmetry and Cash Holdings: Increase or Decrease in the Firm Value?. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 39-64 (in Persian).
- Kamal, Y. (2021). Stakeholders expectations for CSR-related corporate governance disclosure: evidence from a developing country. *Asian Review of Accounting*, 29(2), 97-127.
- kane, V., Akbari, M., Nguyen, L. L. H., & Nguyen, T. Q. (2022). Corporate social responsibility in Vietnam: views from corporate and NGO executives. *Social Responsibility Journal*, 18(2), 316-347.
- Krüger, P. (2015). Corporate goodness and shareholder wealth. *Journal of Financial Economics*, 115(2), 304-329.

- Kusumawati, R. R., & Sulistiana, I. (2025). Accounting Based Governance and Intellectual Capital on CSR Disclosure: A Legitimacy Theory Approach. *Advances in Accounting Innovation*, 1(2), 199-210.
- Lagasio, V., & Cucari, N. (2019). Corporate governance and environmental social governance disclosure: A meta-analytical review. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(4), 701-711.
- Lari Dashtbayaz, M., Salehi, M., Mirzaei, A., & Nazaridavaji, H. (2020). The impact of corporate governance on intellectual capitals efficiency in Iran. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 13(4), 749-766.
- Lee, S., & Park, S. Y. (2010). Financial impacts of socially responsible activities on airline companies. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 34(2), 185-203.
- Lev, B., Petrovits, C., & Radhakrishnan, S. (2010). Is doing good good for you? How corporate charitable contributions enhance revenue growth. *Strategic management journal*, 31(2), 182-200.
- Li, J., Pike, R., & Haniffa, R. (2008). Intellectual capital disclosure and corporate governance structure in UK firms. *Accounting and business research*, 38(2), 137-159.
- Li. Sun. , A. Martynov (2015). The Effect of Ownership Structure on Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from Korea. *Journal of Business Ethics* 104, 283-29.
- Liang, H., & Renneboog, L. (2017). On the Foundations of Corporate Social Responsibility. *Journal of Finance*, 72(2), 853-910.
- Lin, C. Y. (2018). Intellectual capital of South Africa: a comparison with Poland and Romania. *Journal of Intellectual Capital*, 19(3), 498-518.
- Maali, K., Rakia, R., & Khairiddine, M. (2021). How corporate social responsibility mediates the relationship between corporate governance and sustainability performance in UK: a multiple mediator analysis. *Society and Business Review*, 16(2), 201-217.
- Marr, B. (2018). Intellectual capital, in Augier, M., Teece, D.J. (Eds). *The Palgrave Encyclopedia of Strategic Management*. Palgrave Macmillan, London,
- Marr, B., & Moustaghfir, K. (2005). Defining intellectual capital: a three-dimensional approach. *Management Decision*.
- moderate the relationship between intellectual capital and firm's performance?. *Knowledge and Process Management*, 29(4), 333-342.
- Mojtahedzadeh, Vida (1382). The role of management accounting in reflecting intellectual capital. *Accountant Monthly*, 9-17 (in Persian).
- Nassirzadeh F, Askarany D & Arefi-Asl S (2023). The Relationship between Changes in Corporate Governance Characteristics and Intellectual Capital. *Journal of Risk and Financial Management*. 16:133.
- Nawaz, T., & Haniffa, R. (2017). Determinants of financial performance of Islamic banks: an intellectual capital perspective. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 8(2), 130-142.
- Nirino, N., Ferraris, A., Miglietta, N., & Invernizzi, A. C. (2022). Intellectual capital: the missing link in the corporate social responsibility-financial performance relationship. *Journal of Intellectual Capital*, 23(2), 420-438.
- Oyewumi, O. R., Ogunmeru, O. A., & Oboh, C. S. (2018). Investment in corporate social responsibility, disclosure practices, and financial performance of banks in Nigeria. *Future Business Journal*, 4(2), 195-205.
- Porter, & Kramer. (2007). Strategy and society: The link between competitive advantage and corporate social responsibility-response. *Harvard Business Review*, 85(5), 139-139.
- Rahman Khan ,A. and Badrul Mottakin. (2012). Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosures: Evidence From an Emerging Economy. *Journal of Business Ethics. Responsibility*, Vol.2, PP.100-112.

- Razek, M. A. (2014). The association between corporate social responsibility disclosure and corporate governance: a survey of Egypt. *Research Journal of Finance and accounting*, 5(1), 93-98.
- Riahi-Belkaoui, A. (2003). Intellectual capital and firm performance of US multinational firms: A study of the resource-based and stakeholder views. *Journal of Intellectual capital*, 4(2), 215-226.
- Salehi, M., Rajaei, R., Khansalar, E., & Edalati Shakib, S. (2024). Intellectual Capital, Social Capital Components and Internal Control Weaknesses: Evidence from Iran's Business Environment, *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 15(5), 838-875.
- Shahhoseini, M. A., Javaheri Shalmani, S. F., Hasangholipor yasory, T., & Rostami, A. (2019). Evaluating and Comparing Key Indicators of Sustainable Development Performance in the Petrochemical Industry Using SMAA and SMAA-S. *Industrial Management Journal*, 11(2), 273-302 (in Persian).
- Sheehy, B. (2015). Defining CSR: Problems and solutions. *Journal of business ethics*, 131, 625-648.
- Shubita, M. F. (2023). *The relationship between return on investment and Jordanian banks value. Banks and Bank Systems*, 18 (1), 139-149.
- Song, J. and Samy, M. and Bampton, R. (2015). An examination of corporate social responsibility and financial performance: A study of the top 50 Indonesian listed corporations. *Journal of Global Responsibility*, 2., 100-112.
- Sveiby, K. E. (2000). Measuring intangibles and intellectual capital Cambridge. *Massachusetts The MIT Press*. 337-354.
- Tran, N. P., Van, L. T. H., & Vo, D. H. (2020). The nexus between corporate governance and intellectual capital in Vietnam. *Journal of Asia Business Studies*, 14(5), 637-650.
- Vázquez-Carrasco, R., & López-Pérez, M. E. (2013). Small & medium-sized enterprises and Corporate Social Responsibility: a systematic review of the literature. *Quality & Quantity*, 47(6), 3205-3218.
- Vo, D. H., Van, L. T. H., Hoang, H. T. T., & Tran, N. P. (2022). The interrelationship between intellectual capital, corporate governance and corporate social responsibility. *Social Responsibility Journal*.
- Wahyuni, S., Yuliusman, Y., & Rahayu, R. (2025). The Influence of Intellectual Capital Apital and Corporate Social Responsibility on Firm Value with Corporate Reputaion as an Intervening Variable, *Journal of Management: Small and Medium Enterprises (SMEs)*, 18(1), 551-563.
- Wang, Y., Ma, J., & Wang, T. (2021). Do all female directors have the same impact on corporate social responsibility? The role of their political connection. *Asia Pacific Journal of Management*, 40:1–28.
- Yeung, J. C. (2018). Nonlinear effect of board size on corporate performance: impact of the cultural backgrounds of directors in Hong Kong. Asia-Pacific. *Journal of Financial Studies*, 47(1), 107-131.
- Zahn , J-L. W., Neilson, J., & Tower, G. (2004). Intellectual Capital and the Efficiency of Value Added: Trends in the Singapore Capital Market 2000-2002. *Australia: Burleigh M.D.C., Old Poseidon Books*.
- Zheng, W., Yang, B., & McLean, G. N. (2010). Linking organizational culture, structure, strategy, and organizational effectiveness: Mediating role of knowledge management. *Journal of Business research*, 63(7), 763-771.